یادداشت

وابستگی متقابل ایران و امارات

آزاده بابایی‌نژاد

● درست همان زمانی که شیخ زاید بن‌سلطان آل‌نهیان حاکم امارات در کاخ باشکوهش، خوان کارلوس پادشاه اسپانیا و هیات بلندپایه همراهش را به حضور پذیرفته و به گرمی از آنها استقبال می‌کرد، کمی آن سوتر «شیخ محمد بن‌راشد»، وزیر امورخارجه‌اش، میزبان محمدجواد ظریف و همراهانش بود که برای شرکت در دومین نشست کمیسیون مشترک عالی اقتصادی ایران و امارات به ابوظبی رفته بودند.

در پایان این نشست که امضای هشت سند و توافقنامه را به‌همراه داشت، وزیرخارجه امارات با حضور در یک کنفرانس خبری، نتایج نشست مذکور را مثبت ارزیابی کرد و گفت: «دو کشور ایران و امارات روابط دیرینه و تاریخی با یکدیگر دارند که بر پایه احترام متقابل و همکاری مشترک استوار است و امنیت و استقرار منطقه خلیج (فارس) در سایه حکمرانی مدبرانه دو کشور امکان‌پذیر است. او از روی‌کارآمدن دولت میانه‌روی حسن روحانی و به‌دنبال آن ازسرگیری گفت‌وگوهای ۱+۵ با ایران ابراز خرسندی و آرزو کرد که منطقه‌ای خالی از سلاح‌های کشتارجمعی داشته باشیم. شیخ محمد بن‌راشد گفت نتیجه‌بخش‌بودن گفت‌وگوهای غرب با ایران یعنی لغو تحریم و به مجرد تحقق این مهم بخش خصوصی خارجی به‌شدت به سرمایه‌گذاری در ایران تمایل دارد.

به گفته آگاهان سیاسی و اقتصادی، سفر هیات ایرانی به امارات از چند منظر قابل بررسی است:

۱) بر پایه گفته وزیرخارجه امارات این کشور به ایران به‌عنوان یک شریک استراتژیک در منطقه می‌نگرد و گرچه ابوظبی عضو شورای همکاری کشورهای حوزه خلیج‌فارس است و با پنج عضو دیگر این شورا همکاری نزدیک دارد ولی در ارتباط با ایران که هسته و علت اصلی تشکیل این شورا بوده ، باید با هماهنگی سایر اعضا اقدام کند ولی امارات بی‌اعتنا به سایر اعضا، همکاری تجاری با ایران دارد که همین مساله خشم برخی کشورهای حاشیه خلیج‌فارس را در پی داشته است.

۲) امارات نیک می‌داند که حل‌وفصل اختلافاتش با ایران تنها از راه گفت‌وگو امکان‌پذیر است از این‌رو آنها می‌خواهند با انجام دیدارهای مشترک سطح این اختلاف‌ها را به حداقل برسانند زیرا کوچک‌ترین اقدام هیجانی و نسنجیده از سوی دولت ابوظبی، یعنی خروج سرمایه‌های هنگفت ایرانی‌ها از این کشور رو به رشد و این دقیقا پاشنه آشیل اماراتی‌هاست.

۳) مساله جزایر سه‌گانه ایرانی در دهانه تنگه‌هرمز همچنان یکی از موارد مورد مناقشه میان دو کشور است. جزیره ابوموسی به‌صورت مشترک توسط ایران و امارات نظارت و اداره می‌شود. در همین راستاست که روزنامه الحیات مدعی شده که تهران از سال ۹۲ به این‌سو گام‌هایی را در جهت اعمال نفوذ بیشتر و کنترل یک‌سویه بر این جزیره برداشته است.

باید گفت که سرمایه‌گذاران ایرانی نزدیک ۱۰هزار شرکت کوچک و بزرگ را در امارات اداره می‌کنند و داد و ستدهای تجاری و مبادله کالا بین ایران و امارات از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ سه‌برابر شده و به سقف ۱۲میلیارددلار آمریکا رسیده است.

از همین روست که مجله معتبر «اکونومیست» در سال ۲۰۰۷ رسما اعلام کرد ایرانی‌ها با آوردن ۷۶۰میلیون‌دلار به خاک امارات، پنجمین سرمایه‌گذار بزرگ در این کشور بوده‌اند.

عمده سرمایه‌گذاری ایرانیان در بخش مسکن دوبی بوده اما بحران مالی «وال‌استریت» در اواخر سال ۲۰۰۸ میلادی و برخی رفتارهای غیردیپلماتیک اماراتی‌ها با این سرمایه‌گذاران ثروتمند ایرانی، موجب خروج سرمایه‌های ایرانی از خاک امارات به مقصد ترکیه و عمان شد و عملا دیدیم که در آن برهه چگونه بازار بورس دوبی و در سطحی وسیع‌تر، اقتصاد این کشور در آستانه ورشکستگی قرار گرفت.

در سال‌های اخیر شاهد رونق دوباره روابط ایران و امارات هستیم که آهنگی روبه‌رشد دارد و این یعنی وابستگی همزمان این دو کشور به هم. در پنج سال گذشته حجم روابط دوجانبه به پنج‌میلیارددلار رسیده بوده، اما اکنون به ۱۵میلیارددلار بالغ می‌شود.

کارشناسان اقتصادی می‌گویند در برهه‌ای که ازسرگیری دوباره گفت‌وگوهای غرب با ایران در حد گمانه‌زنی قرار داشت، امارات به ایران کالاهای اساسی صادر می‌کرد که غربی‌ها از آن به‌عنوان دورزدن تحریم‌ها یاد می‌کنند.

به‌هرروی ظریف به امارات سفر کرد و از همتای اماراتی‌اش دعوت کرد که به ایران سفر کند و او هم پذیرفت. این دیدوبازدید قطع به یقین به گسترش همکاری‌ها سیاسی و به‌ویژه اقتصادی منجر خواهد شد که برای هر دو کشور آن هم در برهه کنونی نیاز مشترک به شمار می‌آید.

سنگ‌پرانی به قطار هسته‌ای

زینب اسماعیلی

ما خبرنگارها، همدیگر و رسانه‌هایمان را از نشست‌های خبری و سوالاتی که می‌پرسیم، می‌شناسیم، خبرنگار و رسانه‌ای که در جلسه سخنگوی وزارت خارجه در مورد وقوع آنچه «هولوکاست هسته‌ای» می‌نامد، هشدار می‌دهد با خبرنگاری که از مراوده با کشورهای دورونزدیک در دولت جدید می‌پرسد، به‌راحتی قابل تمییز است. مثل خبرنگاری که بعد از توافق ژنو از به‌رسمیت‌شناخته‌شدن حق غنی‌سازی می‌پرسد و خبرنگار دیگری که از توافق احتمالی در مورد رفع تحریم‌ها سوال طرح می‌کند. رسانه‌ها اما جایگاه‌های متفاوتی دارند. تیتر اول روزنامه «وطن‌امروز» به‌نقل از سیدعباس عراقچی، حکایتی است مشابه آنچه در مورد محمدجواد ظریف در جلسه کمیسیون امنیت ملی مجلس رخ داد و ماجرای تیتر کیهان که موجب کمردرد ظریف و ویلچرنشینی او در دور اول مذاکرات ژنو شد. برمبنای متن منتشرشده توسط وزارت خارجه از توافق ژنو، در هیچ‌کجای متن به صراحت بر پذیرش حق غنی‌سازی ایران، اشاره نشده است، اما در متن توافق ژنو، روی میزان غنی‌سازی توافق شش‌ماهه‌ای صورت گرفته است. این علاوه بر آن است که به‌دنبال عضویت ما در «ان‌پی‌تی» دلیلی ندارد که به کشوری مشروعیت دهیم تا حق ما را به‌رسمیت بشناسد. تناقض آزاردهنده در رفتار منتقدان مذاکرات هسته‌ای آنجاست که آنها بارها به جمله حسن روحانی در زمان کاندیداتوری انتخابات که گفته بود «باید دم کدخدا را دید» اعتراض می‌کردند با این استدلال که «چرا او به امریکا، وجاهت کدخدایی داده؟» خب اگر این نقد به روحانی درست است چرا خود منتقدان مذاکرات هسته‌ای می‌خواهند به کشورهای «۱+۵» که آمریکا در آن نقش مهمی دارد، وجاهت کدخدایی بدهند؟ چرا انتظار داریم حقی که کشورمان به‌واسطه پیوستن به نهادهای حقوقی جهانی داراست را بخواهیم که کشورهای دیگر به آن اذعان کنند؟ همین جمله و اصرار بر نوشته‌شدن آن از سوی جناح هوادارش، موجب شد که مذاکرات سعید جلیلی، مذاکره‌کننده سابق هسته‌ای، در نقطه‌ای درجا بزند. حکایت ساده‌اش این است که اگر شما به مغازه خیاطی بروید و سفارش دوخت یک کت را بدهید، وقتی که خیاط در حال انجام برش یقه است، یا وقتی که در حال دوختن دکمه کت است دوباره در مغازه‌اش نمی‌رویم و او را زیر اخیه نمی‌بریم که آقا اعتراف کن، برایم کت می‌دوزی یا نه؟ حکایت قطار تهران- شاه‌عبدالعظیم یا همان ماشین‌دودی در بسیاری از ماجراهای امروز کشور ما، قابل تعمیم است، قطار خوابیده روی ریل، برای همه تحسین‌برانگیز بود و دوست‌داشتنی؛ اما همین که به راه افتاد، سنگ‌بارانش آغاز شد. قطار هسته‌ای که با سوزن‌بانی سعید جلیلی، روی ریل به خواب رفته بود، برای تعداد پرشماری از آنها که امروز منتقد مذاکرات هسته‌ای هستند، قطاری ستودنی و نشانه مقاومت مردم ایران بود، اما قطار به راه‌افتاده مذاکرات هسته‌ای به سوزن‌بانی محمدجواد ظریف، که دنبال رفع نگرانی و تهدید از برنامه هسته‌ای و تحریم‌هاست، شایسته سنگ‌باران‌کردن است. بهتر است منتقدان مذاکرات، به یاد داشته باشند که دلارهای حاصل از کاسبی تحریم، روزی به پایان می‌رسد و آن‌وقت شاید آنها هم مثل کسانی فکر کنند که با زور بازو و عرق جبینشان، شرایط بد اقتصادی ایجادشده به‌دنبال تحریم و شرایط بد اقتصادی را می‌گذرانند.

بازی با منافع ملی روی پیشخوان

عراقچی: سخنانم را تحریف کرده‌اند

شرق: جامعه چندصدایی؛ اصطلاحی برای تبیین و توجیه بسیاری از مخالف‌خوانی‌های چندماهه اخیر است که نوک پیکانش مذاکرات هسته‌ای را نشانه رفته. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران در سفر به امارات به «رویترز» گفته «در مذاکرات هسته‌ای ترسی از تندروهای داخلی ندارم.» او می‌گوید در صورتی‌که طرف‌ها به توافقی خوب برسند «مخاطبان داخلی راضی خواهند بود... البته برخی از مردم هرگز راضی نخواهند بود، ولی آن‌هم پیش می‌آید. چون ما جامعه‌ای چندصدایی داریم.» با این وجود چند ماهی است که «صدای» برخی آنقدر «بلند» است که صدا به صدا نمی‌رسد؛ اتفاقی که می‌توان گفت، سابقه ندارد. مذاکره‌کنندگان هسته‌ای در دولت جدید، عملا در دو حالت قرار دارند؛ یا در مذاکره‌اند یا بعد از پایان مذاکره، در داخل کشور در حال پاسخ به انتقادها، گلایه‌ها و گاهی اتهام‌ها هستند.

انتقادهای بی‌سابقه

بیش از ۱۰سال است که مذاکرات هسته‌ای ایران با طرف غربی در حال انجام است. اما در همه این سال‌ها یکی از تنها انتقادهایی که به مذاکرات در دوره‌های پیش انجام شد، انتقاد علی‌اکبر ولایتی، مشاور بین‌الملل مقام‌معظم‌رهبری در جلسه مناظره انتخاباتی بود که از آنچه در مذاکرات آلماتی به مذاکره‌کنندگان ایرانی پیشنهاد شده‌بود و آنها رد کرده‌بودند، انتقاد می‌کرد؛ انتقادی که نشان می‌داد مشتی است از خروار، اما خرواری که به دلیل رعایت منافع ملی گفته نمی‌شود. حسن روحانی، رییس دولت یازدهم که تجربه دبیری شورایعالی امنیت ملی و مذاکرات هسته‌ای را هم در تجارب پیشین خود داشت، مذاکرات هسته‌ای را برعهده وزارت‌خارجه گذاشت. شاید همین نقطه شروعی بود برای رسانه‌های پرشمار و طیف‌های مخالفی که به هر بهانه‌ای حمله به مذاکرات هسته‌ای و مذاکره‌کنندگان هسته‌ای را پیشه خود کردند. روزی به بهانه گفت‌وگوی تلفنی روحانی با اوباما، روز دیگر به دلیل محرمانه‌خواندن مذاکرات و بعد از آن‌هم به دلیل مفاد توافق ژنو. عمده‌ترین مساله مورد سوال و ابهام مخالفان توافق هسته‌ای، پذیرش حق غنی‌سازی ایران در متن توافق بود. این سوال و مشکل هنوز هم وجود دارد، چون مخالفان توافق، مصادیق موضع‌گیری خود را از اظهارات مقامات آمریکایی و آنچه آنها بعد از توافق ژنو، با عنوان «فکت شیت» منتشر کرده‌اند، می‌گیرند. بی‌آنکه به توضیح‌ها و تاکیدهای رییس‌جمهوری، مذاکره‌کنندگان هسته‌ای و متنی که آنها به‌عنوان توافق ژنو، منتشر کردند، استناد یا حتی توجه کنند. ظریف در یکی از سخنرانی‌های خود به‌طور واضح از مطالب منتشرشده در برخی رسانه‌ها درخصوص توافق ژنو انتقاد کرد و گفت: «برخی در داخل، فکت شیت کاخ سفید را مبنای توافق هسته‌ای قرار می‌دهند ولی به برنامه اقدام مشترک اعلام‌شده از طریق سایت رسمی کشور اهمیت نمی‌دهند. چرا سایت‌های ما که ادعای ملی می‌کنند از سایت دبکای اسراییلی که عامل پخش اطلاعات غلط است نقل قول می‌کنند اما وزیر خارجه را باور نمی‌کنند؟» اما گویا همه توضیح‌ها و حرف‌ها نقش «میخ آهنی» را داشت که الی‌الابد «نرود در سنگ».

بیلبورد و بولتن؛ همه برای تخریب

در ۱۰ سال اخیر مورد مشابهی وجود ندارد که علیه مذاکرات، بیلبوردهای توهین‌آمیز نصب شود؛ بیلبوردهایی که در حین مذاکرات هسته‌ای باعنوان «صداقت آمریکایی» در معابر نصب شد. عباس عراقچی، همان زمان در واکنش به بیلبوردها با لحنی انتقادی گفت: «زمان جنگ هیچ‌کس در خیابان‌ها علیه رزمندگان پوستر نصب نمی‌کرد.» حکایت به همین بیلبوردها هم ختم نشد، در حاشیه نماز جمعه، بولتن‌های سیاسی در تخریب توافق ژنو، منتشر شد و توافق ژنو، در برخی رسانه‌ها و تریبون‌ها، قرارداد «ترکمانچای» و «هولوکاست هسته‌ای» نامیده شد. اعضای تیم هسته‌ای نیز بارها برای ادای توضیحات به کمیسیون امنیت ملی فراخوانده شدند. روزهای گذشته چند نماینده مجلس، اتهامات شوکه‌کننده‌ای به مذاکره‌کنندگان وارد کردند، مثل اینکه «ظریف، اشتون را به نام کوچک صدا می‌کند» و «ظریف و وندی شرمن با هم از مسایل خصوصی حرف می‌زنند» موضوعاتی که به نظر می‌رسد توجیهات دیپلماتیکی دارد که می‌توان در جلسات خصوصی با مذاکره‌کنندگان در مورد آن پرسش مطرح کرد نه در سطح رسانه‌های عمومی. اما این حرف در حال دهان به دهان چرخیدن است. روز گذشته حجت‌الاسلام محمد محمدیان، مسوول نهاد نمایندگی مقام‌معظم‌رهبری در دانشگاه‌ها نیز گفت که «خانم شرمن گفته ما در مذاکرات یکدیگر را به اسم کوچک صدا می‌کنیم که اگر صحیح باشد بسیار مساله‌نگران‌کننده‌ای است.»

هر دم از این باغ بری می‌رسد

روز گذشته نیز مورد جدیدی از تخریب مذاکره‌کنندگان هسته‌ای روی پیشخوان مطبوعات خودنمایی می‌کرد. روزنامه «وطن امروز» که در غیبت «۹دی» رسانه اختصاصی «جبهه پایداری» محسوب می‌شود عکس و تیتر اول خود را به عباس عراقچی اختصاص داد، با روتیتر «اعتراف معاون ظریف در رد اظهارات روحانی درباره به‌رسمیت شناخته‌شدن حق غنی‌سازی در توافق ژنو» و تیتر «عراقچی: رییس‌جمهور اشتباه کرد». وطن امروز پیش از این با تیتر «هولوکاست هسته‌ای» به استقبال توافق ژنو رفته بود. عباس عراقچی، نفر دوم تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران، روز گذشته در واکنش به تیتر و عکس روزنامه وطن امروز و فایل صوتی منتسب به او که در سایت‌های اینترنتی منتشر شده بود، پاسخی گلایه‌آمیز به خبرگزاری‌ها داد. او با ابراز تعجب از پخش ناقص و تحریف‌شده سخنانش در یک جلسه خصوصی گفت: «نگرانم که این‌طور بازی با منافع ملی تا کجا می‌خواهد پیش برود!» عراقچی به رسانه‌ها توصیه کرد «منافع ملی کشور و احقاق حقوق هسته‌ای ملت بزرگ ایران را قربانی اهداف کوتاه‌مدت سیاسی خود نکنند.» او در عین حال تاکید کرد «همان‌طور که رییس‌جمهوری محترم در نامه خود به مقام‌معظم‌رهبری نیز اشاره فرموده‌اند توافق ژنو صراحتا حقوق هسته‌ای کشورمان را به رسمیت شناخته و با پذیرش ادامه غنی‌سازی در ایران، حق غنی‌سازی جمهوری اسلامی ایران را تثبیت کرده است.» فضای رسانه‌ای علیه مذاکره‌کنندگان هسته‌ای به طرز شگفت‌انگیزی پرحاشیه و غیراخلاقی پیش می‌رود.

نکته

عراقچی: منافع ملی کشور و احقاق حقوق هسته‌ای ملت بزرگ ایران را قربانی اهداف کوتاه‌مدت سیاسی خود نکنید

گفت‌وگو

حمیدرضا آصفی، سخنگوی پیشین وزارت‌خارجه:

موفقیت تیم هسته‌ای، موفقیت نظام است

حاشیه‌سازی‌های جاری علیه مذاکره‌کنندگان روی قدرت چانه‌زنی آنها در مذاکرات تاثیر ندارد؟

ما اکنون در مرحله حساس تهیه و تدوین متن جامع توافق نهایی قرار داریم که از اواخر اردیبهشت باید شروع شود. آن چیزی که تا الان انجام شده، مقدمه بوده و کار جدی از الان به بعد شروع می‌شود چون تفاهمات باید روی کاغذ بیاید و طرفین ملزم به اجرای آن باشند. در این برهه از زمان، آرامش مهم‌ترین مولفه‌ای است که می‌تواند به مذاکره‌کنندگان کمک کند. البته ممکن است نگرانی‌هایی وجود داشته باشد و طرف غربی هم نگران امتیازاتی باشد که داده است. این موضوع هم منحصر به این مذاکرات نیست. اما نحوه ابراز نگرانی، مهم است. به گمان من، از آن دوره‌ای که آقای روحانی مسوول پرونده بود و بعد آقایان لاریجانی و جلیلی تاکنون، هیچ‌وقت، به اندازه این دوره حمله و انتقاد به تیم مذاکره‌کننده وارد نمی‌شد.

چرا چنین شرایطی پیش آمده؟

در گذشته انتقاد به‌صورت علنی کمتر از الان بود. انتقادکردن نسبت به برخی موضوعات در جامعه دموکراتیکی مثل ایران امر خوبی است. اما باید توجه داشت که انتقاد بی‌محابا، به نفع مذاکرات نیست. رسانه‌ها باید در ابراز عقاید و اظهارات فعال شوند اما طرح انتقادها در جلسه‌های خصوصی‌تر مثل مجلس، شورایعالی امنیت ملی و جاهای دیگر، می‌تواند در دستور کار قرار گیرد. تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای بر اساس ماموریتی که نظام به آنها داده، در شرایط خاصی وارد گفت‌وگوها شده‌اند. تا وقتی مذاکرات به پیش می‌رود، تیم مذاکره‌کننده باید خیالش راحت باشد که پشتش خالی نمی‌شود.

نحوه نقد مذاکراتی که برخی رسانه‌ها در پیش گرفته‌اند، منافع ملی را زیر سوال نمی‌برد؟

من نه با نقد مذاکرات هسته‌ای که با نقد هیچ چیز دیگری، مشکل ندارم. معتقدم در یک جامعه پویا باید نقد وجود داشته باشد. آنها که مذاکرات را نقد می‌کنند، می‌گویند که ما برای منافع ملی، آن را نقد می‌کنیم. اما باید تعریف شود که آستانه نقد کجاست تا به منافع ملی خدشه وارد نشود. به نام نقد نباید نقض غرض کرد. به اعتقاد من، نقد، نباید لزوما از تریبون‌های رسمی، مطرح شود، به‌عنوان کسی که سال‌ها تجربه این کار را دارم، می‌گویم که نمی‌توان همه چیز را پشت تریبون گفت، نه به دلیل شرایط داخلی که به دلیل دشمنان خارجی.

این حرف شما، شبیه موضع محمدجواد ظریف است که گفت به دلیل عدم اعتماد به طرف مذاکره‌کننده، مجبوریم با رویکردی دوگانه اظهارنظر کنیم، اما برخی، مذاکره‌کنندگان را به‌نامحرم‌دانستن مردم متهم می‌کنند.

داشتن دو رویکرد در مذاکرات و سیاست معنی می‌دهد ولی در رسانه‌ها وقتی معنی پیدا می‌کند که منابع رسمی و غیررسمی مطرح باشند. مقامات رسمی نمی‌توانند شیوه «دورویکردی» را اجرا کنند. البته کلیت مطلب درست است، کسانی که با این مذاکرات و به نتیجه رسیدن آن مخالفند، دشمنان جمهوری‌اسلامی‌اند که نمی‌خواهند در فضای عادی برنامه‌های خود را دنبال کنند. بر این اساس من اعتقاد دارم محرمانه‌بودن موضوع از دید مردم مطرح نیست بلکه از دید دشمنان مذاکرات مطرح است. در ابتدای کار، شاید دوستان در وزارت‌خارجه نتوانستند اهمیت مساله را به خوبی تبیین کنند و این، محل مناقشه شد. آنهایی هم که دوست داشتند گزک بگیرند، این موضوع را رها نکردند، با وجود اینکه، معتقدم آنها هم، دیگر می‌دانند محرمانه‌بودن یعنی چه.

شما سال‌ها سابقه سخنگویی وزارت‌خارجه را دارید. با توجه به تجربه شما، تیم هسته‌ای باید چه نکاتی را رعایت کنند تا این حاشیه‌سازی‌ها کم شود؟

در ابتدا باید بگویم، توفیق در امر مذاکرات هسته‌ای توفیق یک گروه و جناح نیست، بلکه توفیق نظام است. بنابراین اگر تیم هسته‌ای به توفیق برسد- که امیدوارم برسد- این توفیقی برای کل نظام و همه گرایش‌های نظام است. کسی نباید فکر کند اگر این توفیق دست داد، یک گروه خاصی پیروز شده است و سعی کند که این مذاکرات با مشکل مواجه شود. این تدبیر نظام است. ما در مقاطع گذشته در هر مقطعی با توجه به مقتضیات زمان، رویکردهای مختلفی را در پیش گرفته‌ایم. نباید فکر کنیم که دسته خاصی می‌برد و دسته دیگر بازنده می‌شود. دوستان ما در مذاکرات هم باید توجه کنند که اگر توفیقی دست داد، توفیق کل نظام است. این نتیجه ۱۰سال پافشاری و دستاوردهای علمی و فناوری کشور است که در ۳۰سال گذشته به دست آمده است.

در کشور محافل و گروه‌های مختلف با سلیقه‌های مختلفی داریم که باید وزارت خارجه برای تعامل با همه آنها برنامه داشته باشد. البته دو دسته افراد با این مذاکرات مخالفند. یک دسته عده‌ای هستند که با توجه به درک و احساس مسوولیتی که دارند فکر می‌کنند که این موضوعات منافع ملی را تامین نمی‌کند. اینها تابع مسایل صنفی و حزبی و دسته‌ای نیستند. دسته دیگر مخالفند چون فکر می‌کنند باید مخالف باشند. با این دسته کاری نمی‌شود کرد ولی با دسته اول باید کار کرد. چراکه آنها بر اساس یک منطقی خاص- هرچند غلط- مخالفت می‌کنند و آنها باید توجیه شوند. وزارت خارجه در دانشگاه‌ها، محافل مذهبی و فرهنگی باید فعال شود. اینکه سخنگویان بیایند و موضع‌گیری کنند امر خوبی است ولی این حداقل کار است. در محافل مذهبی، هیات‌ها، کانون‌های معتقد به نظام باید کار شود. از روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون و رسانه‌های دیگر نیز باید برای این هدف استفاده شود. اینکه از فضای مجازی استفاده می‌شود، خوب است ولی کافی نیست و در همه جا کاربرد ندارد. حتی برخی مواقع در ایران کاربرد فضای مجازی می‌تواند منفی باشد. باید به این ملاحظات توجه کرد. بنابراین باید با برنامه‌ریزی، مخاطبان را دسته‌بندی کرد و از ظرفیت دیپلماسی عمومی برای هرکدام از این دسته‌ها استفاده کرد.

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● در قبض‌های جدید گاز، ارقام تعجب‌آور جدیدی علاوه بر بهای گاز مصرفی آورده شده که افزایش دیگری بر قیمت گاز است.

● وقتی دولت اعلام می‌کند قیمت جدید بنزین احتمالا ۷۰۰تومان خواهد شد یعنی اینکه ۷۵درصد گرانی در راه است. کجای این کار شیب ملایم است که مسوولان شعار می‌دهند؟

● برای آقای روحانی نامه‌ای فرستادم و قرار شد ایشان به من وام بلاعوض بدهد تا من با آن وام اشتغال راه بیندازم ولی سازمان بهزیستی موافقت نکرده است، من از روزنامه «شرق» خواهش می‌کنم حرف من جوان معلول را به گوش مسوولان برسانند که فکری به حال من بکنند.

● من سال ۱۳۷۳ از دو طرف بدن، گردن و کتف راست مجروح شدم. مدارک معتبر پزشکی و شواهد زیادی دارم که به‌خاطر ناامن‌بودن منطقه و مجروحیت نتوانستم صورت سانحه را تهیه کنم وهم‌اکنون بنیاد شهید از عضویت من خودداری می‌کند. بنده به‌علت آثار به‌جامانده از مجروحیت توان کارکردن ندارم. حال با خانواده پنج‌نفری تکلیف من چیست. لطفا کمک و راهنمایی‌ام کنید. اگر امکان دارد صدای من را به دکتر روحانی، دولت تدبیر و امید برسانید.

کمال فراشی

● با وجود صدور بخشنامه‌های متعدد صداوسیما به مسوولان و مدیران واحدهای مختلف تولید و پخش و بخش‌های دیگر این سازمان، در مورد ممنوعیت و عدم‌به‌کارگیری بازنشسته‌ها و حقوق‌بگیران، متاسفانه اجرا نمی‌شود.

● شما را به خدا قسمتان می‌دهم به دولت بفرمایید ما کارمندان افزایش حقوق نمی‌خواهیم. لااقل به بهانه کاهش مصرف، قیمت سوخت را یکدفعه زیاد نکنید.

● رییس‌جمهور در سفر خود به سیستان‌وبلوچستان از اجرای برنامه‌های زیادی برای آبادانی این استان حرف زد. واقعا از زمانی که آقای روحانی بر سر کار آمده‌اند مردم این استان هم یک امیدی در دلشان زنده شده است. امیدوارم دولت به برنامه‌هایی که داده عمل کند. چون در گذشته خیلی قول‌ها داده شد اما زندگی مردم روزبه‌روز بدتر شد. سیستان‌وبلوچستان از استان‌های محروم کشور است و امیدوارم دولت توجه به این استان را جدی بگیرد.

محمدی- زاهدان

LEON

Since 1960

آبان جنوبی: خیابان کریم خان زند
خیابان آبان جنوبی، نبش چهارراه ورشو
تلفن : ۸۸۹۰۴۶۲۵-۸۸۹۳۰۳۶۳

نیاوران: خیابان دکتر باهنر(نیاوران)
قبل از دوراهی دزاشیب
تلفن : ۲۲۷۲۴۲۰۰-۲۲۷۲۴۴۰۰

صبحانه متفاوت در سام سنتر
فرشته: سام سنتر- طبقه۸
تلفن : ۲۲۶۵۳۸۴۱

www.leon1960.com